

## یادداشت

## ناجی باید «ناجی» باشد

|علیرضا سعیدی |موسس تیم نجات موج پیشرو|

امروزه در شرایطی به سر می‌بریم که همه روزه اخباری مبنی بر وقوع حوادث کوچک و بزرگ به گوش می‌رسد. با مرور حوادثی که در همین یکی دو سال اخیر رخ داده‌اند، می‌توان به شرایط بسیار ناایمن در بسیاری از بخش‌های جامعه پی برد. از ناایمنی‌های موجود در صنایع گرفته تا هزاران کشته تصادف‌های جاده‌ای، آتش‌سوزی‌های بزرگ و کوچکی که فروریزش ساختمان پلاسکو یک نمونه واضح آن است، حادثه اخیر سقوط هواپیما در کرج، حادثه آتش‌سوزی کشتی سانچی، آتش‌سوزی‌های پی‌درپی در پتروشیمی بوعلی ماهشهر و حوادثی که منجر به مرگ هموطنانمان در حوادث گازگرفتنی ناشی از منوکسیدکربن می‌شود و حریق‌هایی که موجب سوختن همین تعداد معدود جنگل‌های باقی مانده در اقلیم کشور می‌شوند، همه و همه یک نکته را یادآور می‌شوند که حوادث همیشه و همه جا انسان و جوامع انسانی را مورد تهدید قرار می‌دهند. اما این مسأله که چرا این حوادث با این ضریب تکرار بالا رخ می‌دهند فقط یک سوی ماجرا است که باید آن را در روش اجرای استانداردهای ایمنی در بخش‌های مختلف جست‌وجو کرد. اما این سکه روی دیگری نیز دارد و آن راه و روش مقابله با حوادث است. اصولاً رویکرد همه کشورهای جهان پیشگیری از وقوع حادثه، به‌ویژه حوادثی است که منشأ آنها خطاهای انسانی و نواقص تجهیزاتی است که برای انجام این کار می‌توان رویکردهای پیشگیرانه را مدنظر قرار داد، اما رویکرد دیگری نیز وجود دارد که نباید از آن غافل بود و آن توجه به روش‌های مقابله و کنترل حوادث است. در رویکرد کنترل حوادث مسائل زیادی دخیل‌اند که برای نمونه می‌توان به سازماندهی، تجهیزات، آمادگی، بودجه، برنامه‌ریزی و از همه مهمتر منابع انسانی کارآمد اشاره کرد. این منابع انسانی کارآمد هستند که تجهیزات را به کار می‌گیرند، آنها را سازماندهی و برای کنترل یک حادثه برنامه‌ریزی و اقدام می‌کنند. در بسیاری از حوادثی که در بالا ذکر شد، تعداد بسیاری آتش‌نشان و امدادگر که برای آموزش آنها هزینه‌های زیادی صرف شده است جان خود را از دست داده‌اند. اگر به‌طور اجمالی این حوادث را مرور کنیم، به آمارهای ناراحت کننده‌ای برخورد خواهیم خورد. مرگ ۱۶ آتش‌نشان در حادثه دلخراش پلاسکو تهران مهمترین نمونه این‌گونه حوادث بوده است، اما این آمار فقط محدود به پلاسکو نمی‌شود. کشته شدن آتش‌نشان مشهودی در حین اجرای عملیات امدادی در جریان یک حادثه بزرگراهی در سال ۱۳۹۷، شهادت سید احسان جامعی آتش‌نشان تهرانی که در دی ماه‌سال جاری پس از اتمام عملیات امدادی به دلیل برق‌گرفتگی جان به جان آفرین تسلیم کرد و نیز آتش‌نشانی که در جریان حادثه انفجار قطار نیشابور جان باختند و همچنین سایر شهدای عزیز امدادگری که ذکر آنها در این مقال نمی‌گنجد، نشان از این دارد که ما حتی در فاز کنترل حوادث نیز شاید آن‌گونه که باید درست عمل نکرده‌ایم. یکی از مصادیق عملکرد صحیح در کنترل حوادث، حفاظت و صیانت از جان پرسنل امدادگر و آتش‌نشان است. بررسی حوادثی که منجر به مرگ یا آسیب شدید به آتش‌نشان و امدادگران شده است بیانگر این موضوع است که ما می‌توانستیم با توجه بیشتر به بحث ایمنی پرسنل عملیاتی در جریان کنترل حوادث بهتر عمل کنیم. متن استانداردهایی که در مورد عملیات امدادی وجود دارد مبین این موضوع است که تیم‌های امدادی و آتش‌نشانی باید دارای یک افسر ایمنی در کنار فرمانده حادثه باشند. وظایف و تکالیف افسر ایمنی حادثه در یک نکته بسیار مهم خلاصه می‌شود و آن حفاظت از جان کارکنان تیم‌های امدادی است. باید بپذیریم که ایمنی در کار اتفاقی به دست نخواهد آمد. سازمان‌های امدادی ما باید بپذیرند که برای حصول ایمنی باید تغییر کنند. امروزه درحالی‌که به دهه ۱۴۰۰ نزدیک می‌شویم باید توجه بالاتری به حفاظت از منابع خود معطوف کنیم. برای حفاظت از منابع ملی و سرمایه‌های اجتماعی این مرز و بوم، نیروهای امدادی سالم و سرحال‌نیاز داریم و این مسأله لزوم ارتقای وضع ایمنی امدادگران و آتش‌نشانان را به ما یادآور می‌شود.

هر کسی که در خانه شما حضور دارد باید بداند هنگام وقوع زلزله چه اقدامی انجام دهد حتی اگر شما موقع وقوع حادثه آنجا نباشید.

## ایران ۴۱ هزار رشته قنات دارد

مدیر کل موزه‌های آب ایران می‌گوید که ۴۱ هزار رشته قنات در کشور وجود دارد. رضازاری در این باره گفت: «ز این تعداد بیش از ۲۶۰ رشته قنات در استان یزد است که هم‌اکنون حدود ۲۰ درصد از مصرفی بخش کشاورزی در استان را تأمین می‌کند.» او ادامه داد: «مدیریت مصرف آب قنات امروز مهمترین الگوبرای مدیریت مصرف به‌ویژه در بخش کشاورزی است که باید آن را تبیین کنیم.» پاپلی بزدی از پژوهشگران و نویسندگان حوزه آب و قنات هم همیاری و مشارکت در بحث آب و مدیریت آن را از درس‌های اجتماعی قنات دانست: «امروزه باید برای مدیریت در مصرف آب از آموزه‌های مهم قنات‌از جمله موضوع مدیریت یکپارچه و سنتی آب ونحوه همیاری و کمک در تأمین آب درس بگیریم.»

گزارش «شهروند» از خطراتی که دریاچه ولشت مرزن آباد را تهدید می‌کند

## «شهر اکسیژن»، محصور در غبار معادن

◀ برار پور، مدیر عامل بنیاد توسعه پایدار ایران: با این که در ادبیات توسعه، زمین فضای عملیاتی است اما زمین‌ها را از بین برده‌اند و به ویلا و معادن و سازه‌هایی تبدیل کرده‌اند که هیچ ارتباطی با ماموریت‌های صنعت گردشگری ندارد



علاوه بر این «از منظر تکنیکی و فنی، دبی خروجی و ورودی دریاچه ولشت در طول زمان برابر بوده و به همین دلیل سطح آب همیشه ثابت است. خروجی ۸۰۰ متر از زیرزمین خارج می‌شود و درست جایی که آنها معدن زده‌اند خارج می‌شود. آنها فعالیت معدن کاوی‌شان باعث شده دهانه خروجی دریاچه گشاد شود و دبی خروجی زیاد شود؛ این یکی از دلایل پایین آمدن عمق است.»

تبعات این همه فعالیت معدنی، گرد و خاک است و هراس از خروج ناگهانی آب ولشت به شهر. مدیر عامل بنیاد توسعه پایدار ایران می‌گوید: «دریاچه ولشت در کلاردشت و حوزه‌های اطرافش، با همین طرح‌های اقتصادی ناپایدار، در معرض تخریب قرار گرفته است. به همین دلیل ما در حال انجام فعالیت‌های آموزشی بین گروه‌های مختلف هستیم تا جلوی

معدن کاوی‌ها گرفته شود.»

## شهر اکسیژن، پر از گرد و خاک

مهدی مقیمی تیرگر، فعال اجتماعی مرزن آباد به «شهروند» می‌گوید: «سال‌ها پیش تبلیغاتی شده بود که مرزن آباد به‌عنوان «شهر اکسیژن» مطرح شود. شاید این شعار اغراق‌آمیز بود، اما همان وقت‌ها، گفته می‌شد که مرزن آباد، بعد از شهری در اروپا، خالص‌ترین اکسیژن را دارد.» زمانی می‌شد با همین شعار، فخر فروخت. این هنوز در خاطر اهالی هست، دوسال پیش ایرنا در گزارشی نوشته بود: «بهترین شرایط هوا از لحاظ فشار و غلظت را باید در ارتفاعی بین ۵۰۰ تا یک‌هزار متر از سطح دریا جست‌وجو کرد. شهر مرزن‌آباد در ارتفاع ۴۵۰ تا ۶۵۰ متر از سطح دریا قرار دارد. در جایی که رطوبت و بخار آب موجود در سطح بالایی نیست، از شرایط مناسب ارتفاعی برخوردار است و وجود نسیم شبانه از کوه به دشت و روزانه از دشت به کوه از گپ هوا جلوگیری می‌کند. در این‌جا خبری از آلاینده‌های گرد و غبار و دود هم نیست. وجود جنگل در گرداگرد شهر و درختان پرشمار که منبع و کارخانه اکسیژن‌سازی است خود یک مزیت محسوب می‌شود. کسانی که دچار بیماری قلبی و عروقی و تنفسی هستند با سکونت در شهر مرزن‌آباد بهبود یافته یا از شدت بیماری آنها کاسته شده است.

مرزن‌آباد به‌عنوان مرکز اکسیژن درمانی طبیعی کشور که به شهر اکسیژن نیز مشهور است، می‌تواند مورد توجه و سکونت قرار گیرد.» حال‌ا‌ما فقط در

تبلیغات بساز و بفروش‌ها می‌شود به این نام رسید. شهر اکسیژن گرفتار معادن و علاوه بر معدن‌ها، گرفتار ترافیک حضور گردشگرانی است که تا تقویم به تعطیلی می‌خورد، راهی کلاردشت می‌شوند.

مقیمی هم می‌گوید: «در مرزن‌آباد، صبح تا عصر در بهار همیشه نسیم خنک می‌وزد. تا ۸،۹ سال پیش شاید فقط یکی دو نفر کولر در خانه‌هایشان داشتند. چون نیازی نبود. اما حالا گرد و خاک و آت و آشفال‌ها با همین باد به مرزن‌آباد می‌رسد. چند وقت پیش طوری شد که مثل طوفان‌های گرد و خاک سیستان و بلوچستان، مجبور شدم، ماشینم را در خیابان متوقف کنم و چراغ‌ها را روشن نگه دارم. با وجود گرد و غبار، دید تا این حد محدود شده بود.»

## وجود این همه معدن توجیه ندارد

این فعال محیط‌زیست معتقد است که وجود این تعداد معدن، در وسعت محدود اطراف دریاچه قابل توجیه نیست و فعالیت آنها درحالی است که روش خاکبرداری و حفاری‌شان از هیچ استاندارد ی پیروی نمی‌کند.

مقیمی که نقشه‌بردار و عضو نظام مهندسی معدن است، می‌گوید: «مسأله دیگر این است که مدتی پیش اهالی به ادارات مربوطه رفته و درباره خطرات رانش زمین با وجود ساخت‌وسازها و حفاری‌ها ابراز نگرانی کرده بودند، اما در جواب به آنها گفتند که کارشناسان موضوع را بررسی کرده‌اند و هیچ‌گونه رانشی در زمین‌ها وجود ندارد. این درحالی است که اکثر زمین‌های اطراف دریاچه ولشت، مخصوصاً در بالادست و پایین دست، رانشی است. حتی عامه مردم هم این‌را می‌دانند و از این کلمه در حرف‌هایشان استفاده می‌کنند. وقتی می‌خواهی کنار دریاچه برای ساخت‌وساز زمین بخری، در نخستین مشاوره به تو می‌گویند، حواست باشد، آن‌جا رانشی است. حرف من این است که براساس کدام داده علمی و کدام روش تشخیص داده‌اند که آن‌جا حرکت ندارد؟»

به گفته این فعال محیط‌زیست در سال‌های اخیر ساخت‌وسازها در اطراف دریاچه ولشت کمتر شده است: «هرچند در یک بازه زمانی شهرک‌سازی در حاشیه دریاچه بالا گرفت اما دیگر اجازه نمی‌دهند و جلوی این کار را گرفته‌اند.» جلوی ساخت‌وسازها گرفته شده اما جلوی کوه‌خواری‌ها و حفاری‌های معدنی نه: «کوه را دارند می‌خورند و کسی جلودارشان نیست. ما انسان‌ها هر چیزی را شیشه‌سازی کرده‌ایم حتی دریاچه را. تنها چیزی که نتوانسته‌ایم بسازیم، کوه است. با این حال به راحتی داریم کوه‌ها را از دست می‌دهیم و جایگزینی هم برایش نداریم.» به گفته مقیمی، در قسمت زیرین دریاچه، کوه کاملاً از بین رفته و تغییرات پوشش گیاهی هم کاملاً در منطقه مشهود است.

## هیچ معدنی در حاشیه دریاچه اجازه فعالیت ندارد

ابراهیمی کارنامی، مدیرکل حفاظت محیط‌زیست استان مازندران به «شهروند» می‌گوید: «اوایل امسال که مسأله واگذار کردن معدن مطرح شد، ما موضوع را مطالعه کردیم و توصیه‌نهایی ما این شد که در شعاع ۱۲۰۰ متری دریاچه ولشت، معدنی واگذار نشود. درحال حاضر معادن موجود در این شعاع نیستند و پیشنهادهای داده شده درحال انجام است. با این همه، آلودگی هوا در مرزن‌آباد به حضور گردشگران داخلی هم مربوط است. در ایام تعطیل یا تردد این همه خودرو و ترافیک سنگین، آلودگی در مرزن‌آباد بیشتر می‌شود. با وجود این آلودگی، فعالیت معادن پایین دست دریاچه، کیفیت هوا را از این هم کمتر می‌کند.» به گفته ابراهیمی در هر صورت ماهیت بعضی از صنایع همین است؛ آلودگی ایجاد می‌کند. اداره محیط‌زیست هم با صنعتی می‌تواند برخورد کند که خروجی‌اش خارج از استاندارد باشد و استاندارد هم حد صفر نیست. «قانون‌گذار، میزان مشخصی از آلودگی را پذیرفته، اما وقتی چند معدن کنار هم قرار می‌گیرند، این فراوانی جمعی روی محیط پیرامون اثر می‌گذارد و آلودگی ایجاد می‌کند. البته همکاران من نظارت می‌کنند و اگر کسی خارج از استاندارد نظارت کند، حتماً تذکر می‌دهند و اگر تمکین نکند، برخورد خواهند کرد.»

او درباره ویلاسازی‌ها در اطراف ولشت هم این‌طور می‌گوید: «مسئولیت ویلاسازی‌ها در مسئولیتات با جهاد کشاورزی و امور اراضی است. ولشت در منطقه چهارگانه حفاظت محیط‌زیست نیست، هرچند البرز مرکزی در نزدیکی آن قرار دارد. با این حال ما نسبت به تغییر کاربری‌ها به شدت معترضیم. تغییر کاربری‌ها زیاد است و جهاد و امور اراضی برای مدیریت این مسأله آن‌قدر نیرو و امکانات ندارند. باید فکری به حال این مشکل شود. یکی از مشکلات آینده این همه ساخت‌وساز در ولشت، مسأله تأمین آب خواهد بود. با توجه به مصوبه‌ای که‌سال گذشته مجلس داد تا به غیر مجازها، برای تعیین تکلیف سه‌سال مهلت داده شود، کار برای برخورد قانونی سخت شده است. بنابراین ما با تغییر کاربری‌ها در چارچوب مقررات برخورد می‌کنیم.»